

شعر مدرن

| از بودلرتا استیونس | مراد فرهادپور |

Modern Poetry

| from Baudelaire to Stevens | Morad Farhadpour |



نشر بیدگل



شعر مدرن

از بودلر تا استیونس

ترجمهٔ مراد فرهاد پور

ویراستار: هدیه رهبری

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش نصاعدیان

صفحه‌آرایی: آلا شوپز

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ پنجم، ۱۳۹۸ تهران، ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۰۲-۹

 Bidgol Publishing co. | انتشاریدگل

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

bidgolphishing.com

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۷	مقاله‌ها
۹	ورطه شعرمدرن • ارایش هلر
۴۵	تناقضات مدرنیسم: نقدی بر مقاله ارایش هلر
۸۱	شعر ناب و سیاست ناب • میکائیل هامبورگر
۱۲۹	استفان مالارمه: درآمدی بر مجموعه شعرها • ژان پل سارتر
۱۴۱	پل سلان: درآمدی برگزیده‌ای از شعرها • میکائیل هامبورگر
۱۵۱	درباره‌ی والاس استیونس
۱۶۷	شعرها
۱۶۹	شارل بودلر
۱۷۱	استفان مالارمه
۱۷۳	آرتور رمبو
۱۷۵	پل والرئ
۱۷۹	هوگو هوفمانشتال
۱۸۱	راینر ماریا ریلکه
۱۸۷	گئورگ تراکل
۲۰۵	پل سلان
۲۱۳	نلی ساکس
۲۱۷	فرناندو پَسوا
۲۱۹	خوان رامون خیمه‌نس

۲۲۳

۲۲۵

۲۲۷

۲۳۱

خورخه لوئیس بورخس

آنتونیو ماچادو

ویستان هیواودن

والاس استیونس



مقاله‌ها



ورطه شعر مدرن^۱

اریش هلر

یک

یکشنبه عید پاک است و فاوستِ گوته پس از یکی از غنایی‌ترین گشت و گذارهایی که در ادبیات آلمان وصف شده به کتاب‌ها و مطالعه خویش بازمی‌گردد. همراه او سگِ کوچکِ سیاهِ عجیبی است که در مزارع خارج از شهر با سماجت خود را به او چسبانده است. فاوست انجیل به روایت یوحنا را می‌گشاید و مصمم است که آن را به آلمانی، زبان عزیزش، ترجمه کند. اما در همان نخستین سطر متوقف می‌شود. چیست آن چیز که «در آغاز بوده»؟ لوگوس – کلمه؟ نه، ارتقای کلمه تا این حد، به نظر ناممکن می‌رسد. شاید «معنی» بهتر باشد، اما این نیز ضعیف‌تر از آن است که بتواند سرمنشأ هر آنچه هست باشد. فاوست واژه «نیرو» را امتحان می‌کند. اما حالا که مترجم تا این حد از متن اصلی دور شده است، پس چرا نباید در آزادی خویش پیش رود؟ «در آغاز عمل بود.» این جمله فاوست را راضی می‌کند و موجب هیجان سگ می‌شود. ولی کار ترجمه به جایی نمی‌رسد، زیرا اینک سگ ناآرام گشته است و حتی به مؤثرترین اوراد جادویی فاوست برای آرام کردن اهریمنان گوش نمی‌دهد؛ زیرا که سگ فرستادهٔ دوزخ و خود از شیاطین است.

1. Erich Heller, "The Hazards of Modern Poetry" in *The Disinherited Mind*, Bowes: London, 1975, pp: 261-303.

یکشنبه عید پاک و یک جادوگر: از لوگوس به کلمه، از کلمه به عمل، از سگ به شیطان - صحنه برای قمارِ خطرناکِ شعرِ مدرن آماده است. ولی شاید بیش از این‌ها باید اصول تحقیق علمی را رعایت کنیم. پس اجازه دهید به کتاب تاریخ انجمن سلطنتی: تأسیس، برنامه و پیشرفت آن در اشاعه فلسفه تجربی، بپردازیم. این کتاب را در نیمه دوم قرن هفدهم توماس اسپرات^۱، اسقف روچستر، نوشته است. شاعری به نام کالی^۲ دیباچه‌ای منظوم بر آن نوشت و مضامین جدلی کتاب را با شور و شوقی بیشتر از خود نویسنده بیان کرد و آن‌ها را به زیور شعر آراست، چرا که در مسائل خاکی و این جهانی، شاعر، در قیاس با اسقف، دستی بازتر دارد. در این شعر از فلسفه یا عقل ستایش می‌شود و شاعر برای اشاره به آن از ضمیر سوم شخص مفرد مذکر استفاده می‌کند، زیرا به قول او عقل «فضیلتی» مذکر است.

«اما دریغا که پاسداران و آموزگاران،

(برخی غافل و بی دقت و برخی جاه طلب)

هرگز به رهایی او رضایت نخواهند داد،

یا به قوای ذاتی اش که به او توان دیدن می‌دهد،

مبادا که این کار نقطه پایانی برفضل و مرجعیت ایشان باشد.

تا که (عقل) کار خویش را فراموش کند،

او را با ترفندها و بازیگوشی‌های هوش و زیرکی سرگرم کردند،

و به جای گوشت لخم که بر توانایی اش می‌افزاید،

میوه‌ها و شیرینی‌های شعر را به او خوراندند...»

ولی خوشبختانه واردکننده اصلی گوشت لخم، در همان نزدیکی بود:

سرانجام، بیکن، مردی بزرگ، برخاست،

او که طبیعت و شاهی خردمند، به وزیری اش برگزیدند

1. T. Sprat

2. Cowely

و هردو سروری قوانین خود را بدو سپردند.

و اوبی با کانه رسالت دفاع از عقل، این شاگرد مجروح، را به عهده گرفت.

اما این دوست دارِ اولیهٔ علم و دانش، رسالت شجاعانه و سختِ وزیر اعظم را در شعر خود چگونه توصیف می‌کند؟

از کلمات که چیزی جز تصاویر اندیشه نیستند
 (هرچند که ما منحرفان اندیشه‌های خود را از آن‌ها می‌گیریم)
 اندیشه را به اشیا، موضوعات راستین ذهن، بازگرداند؛
 ما چون پرندگانِ نادان به سوی خوشه‌های ملّون پرواز کردیم؛
 و او از برای استفادهٔ ما حقیقت را جُست و گرد آورد؛
 و آن‌گاه که تلِ خوشه‌های برگزیدهٔ راستین فراهم آمد،
 آن‌ها را با خرد و صنعت خویش فشرده
 تا که عصارهٔ همه‌شان در ظرف جمع شد،
 تخمیر شده در شکلِ طعامیِ الهی،
 شرابِ جان‌بخشِ روحِ تشنه.

این شاید نخستین شعر مضحک اما جالبی است که در سراسر تاریخ نوشته شده است و با این حال معنا و اهمیت خاصی خود را دارد. این شعر نه فقط به پیشگویی و تقلید مسخره‌ای از «کلمه به عمل» فاوست مانند است، بلکه علاوه بر این با جدّیتی خام و کودکانه مضمونی را بیان می‌کند که بنا بود برای سه قرن آینده، همچون نفرینی پابرجا، بر زندگی و آثار شاعران و هنرمندان سایه افکند و در گوش ایشان، گاهی تهدیدهای شوم شراب واقیعت و گاهی نیز دوباره، و سوسه‌های شکوه و جلال متعالی و آن جهانی را زمزمه کند. آیا می‌توانیم مسیر پرواز پرندگان نادان را به عقب، به سوی آشیانه دنبال کنیم، جایی که در آن بال و پر گشودند و بر بال‌های کلمات، که فقط تصاویر اندیشه‌اند، اشیای واقعی یا موضوعات راستین ذهن را پشت سر گذارند.

شعرها



شارل بودلر

Charles Baudelaire

ملال

آن زمان که آسمانِ پست و سُربی، چون سرپوشی سنگین در هم
می فشارد
ذهنی نالان را که قربانی نگرانی‌های همیشگی است؛
و آن‌گاه که چون گنبدی سترگ همهٔ افق‌ها را محصور می‌کند،
و بر ما می‌بارد روزانِ سیاهی تیره‌تر از شبان؛

هنگامی که زمین سیاه‌چالی مرطوب می‌شود
که در آن امید چون خفاشی با بال‌های ظریفش
بر دیوارها ضربه می‌زند
و بر تیرک‌های پوسیده سر می‌کوبد؛

آن زمان که باران رشته‌های بلندش را سرازیر می‌کند
و صورت میله‌های زندانی سترگ را به خود می‌گیرد؛
و لشکر خاموشی از عنکبوتان چندش‌آور، پیش آمده
تارهای خود را در اعماق مغز ما می‌گسترانند؛